نشریه علمی علم و تمدن در اسلام
سال پنجم/ شماره نوزدهم/ بهار ۱۴۰۳
doi: 10.22034/icrs.2024.428776.1250

بررسی جایگاه اجتماعی زنان درباری در نگاره‌های تیموری

لیلا محمدی[۱]

(۱۳۶-۱۵۸)

چکیده

با استقرار حکومت تیموری در فلات ایران و رویکرد تیموریان به نقش زنان درباری در عرصه سیاسی ،فرهنگی و اجتماعی،جایگاه این زنان دستخوش تحول و دگرگونی گردید که این تاثیرات و حضور خاتونان درباری را می‌توان در نگاره‌های مصوَر شده این دوره مشاهده نمود. نگارگر با ترسیم چهره خاتونان درپوشش و لایه‌های متنوع سعی در نشان دادن موقعیت وجایگاه اجتماعی آنان دراین عصر دارد. هدف مقاله حاضر شناخت جایگاه اجتماعی زنان درباری در دوره تیموری درنگاره ها بر روی دیوارهای کاخ‌ها و کتب مصور شده است.این پژوهش با گردآوری مطالب کتابخانه‌ای به روش توصیفی و تحلیلی و استخراج اطلاعات از نگاره‌های این دوره، جایگاه اجتماعی و شاخصه های پوششی و صحنه‌هایی از وقایع زندگی زنان خاندان تیموری را ترسیم کرده است. یافته های پژوهش نشان می‌دهد نگارگری ایران در دوره تیموری به عنوان یک هنر مطرح بوده و یکی از منابع تاثیرگذار در تاریخ نگاری می‌باشد و ضمن آنکه منعکس‌کننده روح هنری ایرانی بود با ثبت و ضبط زندگی زنان خاندان تیموری به تاثیرگذاری و تاثیرپذیری آنان از سیاست و حکمرانی تیموریان و معرفی جایگاه اجتماعی و ارایه تصویری از پوشش و برخی رسومات درباری، صحنه‌هایی از وقایع زندگی زنان خاندان تیموری را به نمایش گذاشت.

واژه‌های کلیدی: نگارگری، تیموریان، زنان، اجتماع، فرهنگ، سیاست.

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، زنجان، ایران.
Mohammadi_52_history@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸ نوع مقاله: ترویجی

Investigating the social status of court women in Timurid period paintings

Leila Mohammadi[1]

Abstract

With the establishment of the Timurid government in the plateau of Iran and the approach of the Timurids to the role of court women in the political, cultural and social arenas, the position of these women underwent a transformation and these effects and the presence of court women can be seen in the paintings of this period. By drawing the faces of the ladies, he tries to show their social status in this age.The purpose of this article is to know the social status of court women in the Timurid period in the paintings on the walls of palaces and illustrated books. This research by collecting library materials in a descriptive and analytical method and extracting information from the paintings of this period, the social status and characteristics of He has drawn a cover and scenes from the life events of the women of the Timurid dynasty. The findings of the research show that painting in Iran during the Timurid period was prominent as an art and is one of the influential sources in historiography, and while it reflected the Iranian artistic spirit by recording the lives of the women of the Timurid dynasty, they were influential and influenced by politics. And the rule of Timurids and the introduction of social status and presenting an image of the dress and some court rituals, showed scenes of the events of the lives of the women of the Timurid dynasty.

Keywords: Painting, Timurians, women, society, culture, politics.

1. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Abhar Branch, Zanjan, Iran. Mohammadi_52_history@yahoo.com

مقدمه

دوره تیموری یکی ازدرخشان ترین ادوار تاریخی برای زنان درباری درعرصه اجتماع،سیاست،فرهنگ و اقتصاد می باشدو فعالیت زنان درتمامی شئون اجتماعی نشان دهنده قدرت و نفوذ و تغییر نگرش جامعه به این جایگاه اجتماعی را دارد .هنر نگارگری که تحت تاثیر رویکرد ویژه حاکمان ورونق فضای فرهنگی به اوج شکوفایی رسید نه تنها تقلید هنری و سبک های نقاشی چین را که از عصر مغول وارد ایران شده بود، مورد جذب و اقتباس قرار داد، بلکه در مسیر تکاملی خود سرانجام استقلالی را نمایان ساخت که منعکس کنندهٔ روح هنری ایرانیان بود(مشکوتی،۱۳۴۳: ۳۸۶).به همین دلیل،عصر تیموری را«دورهٔ طلایی در هنر نقاشی ایران» دانسته اند(پرایس،۱۳۵۳: ۱۲۴) آثارنقاشی و مینیاتوری موجود از دورهٔ تیموری درکتابهای مصوّری است که با نبوغ سرشار هنرمندان این عصر تهیه شده است. یکی از ویژگیهای عام نقاشی های عصر تیموری این است که آثار نقاشان آن درمقیاسی کوچک وبارنگهای مناسب ولطیف وخوش منظرطراحی شده است (آرام، ۱۳۳۸: ۶).موضوعات موردعلاقه نقاشان تیموری به تصویرکشیدن داستانهای شاهنامه ،بوستان،گلستان وآثار نظامی مبتنی بردو مکتب هرات ومکتب شیراز بود .زیرا شیراز وهرات مهمترین مراکز نقاشی محسوب می شدند.هرچند نقاشانی هم بودند که در سمرقند فعالیت داشته و مرکزیت و اهمیت خود را بعد از مرگ تیمور همچنان حفظ کردند(دیماوند، ۱۳۳۶ : ۵۴-۵۳) .

از این رو،تصاویرحک شده بر روی دیوارکاخهای سمرقند و کتب مصورشده در عصر تیموری بهترین منبع برای شناسایی جایگاه و طبقه اجتماعی زنان خاندان تیموری است که هنرمند نگارگر در نگاره های حک شده بر روی دیوار کاخها و کتب مصورعصر شاهرخ و بایسنقر میرزا و سلطان حسین بایقرا نیز با ظرافت خارق العاده ای بدان پرداخته است و با به تصویر درآوردن سیمای خاتونان در مجالس درباری و گاه تفرجگاه های سرسبز در حال تفریح و گاه در میان کاخ های سلطنتی چنان آن را نقش کرده اند که گویی زنده و جاندار است.

پژوهش حاضر سعی بر آن دارد که با بررسی منابع بر جای مانده هنری و تاریخی به اهداف این مقاله،شناخت جایگاه اجتماعی و سیاسی و ویژگی های پوششی بانوان درباری دوره تیموری بپردازد تا در نتیجه آن به پاسخ این پرسش دست یابد که آیا موقعیت و جایگاه اجتماعی زنان درباری درنقاشی

های دیوار کاخ ها و کتب مصور به خوبی به تصویرکشیده شده اند؟ با بررسی های انجام گرفته پژوهشی درباره بررسی جایگاه اجتماعی زنان درباری بر اساس نگاره ها تاکنون صورت نگرفته است و این مهم ضرورت پرداختن به این مقاله را مشخص می نماید. تحقیق پیش رو با بهره گیری از روش توصیفی و تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و مراجعه به منابع مکتوب و عکس برداری از کتب صورت پذیرفته است.

پیشینه تحقیق

چنانکه ذکر شد درباره موضوع مقاله پژوهش مستقلی انجام نگرفته است و در تعدادی منابع و کتابهای تالیفی مطالبی اندک و پراکنده وجود دارد که در ادامه تعدادی از این تحقیقات بر اساس سال تالیف معرفی می گردد. شیرازی مهاجن (۱۹۹۱/۱۳۶۹) کتاب پوشاک زنان دوره تیموری را با استناد بر چهار دیوان خواجوی کرمانی، شاهنامه ،خمسه نظامی ،و معراج نامه مورد بررسی قرار داده است. مسلم است که درکتاب یاد شده،مؤلف به صورت تخصصی به موضوع مورد توجه این مقاله نپرداخته و تنها به بیان چند سطر در این زمینه بسنده کرده است .

حجازی (۱۳۷۶) در کتاب در زیر مقنعه به ارزیابی چهره فرهنگی ،سیاسی ،اجتماعی و اقتصادی زنان از قرن اول هجری تا عصر صفوی(۹۰۸هـ.ق) توجه کرده ولی بیشتر به کلیات پرداخته است.این اثر می تواند به محققین تاریخ نگاری زنان ایرانی اطلاعات مفیدی در طول دوره های مذکور ارائه دهد و تاحدودی در موضوع این مقاله می تواند راهنما باشد.

همبلی (۱۳۷۶/۱۹۹۸) در اثر خود بیست وسه مقاله از نویسندگان مختلف را مورد بررسی قرار داده است هر کدام موضوعات مختلفی از نقش زنان در امور فرهنگی و اجتماعی در دوره ها و مکانهای مختلف در اواخر سلسله ساسانی ،آسیای میانه و در جامعه اسلامی ایران را مورد پژوهش قرار می دهد این تحقیق ارزشی ادبی و جامعه شناسانه دارد و در معرفی نقش زنان در امور مذکور برای محققان و پژوهشگران مفید و مثمر ثمر است،ولی فقط در یک مقاله اشاره ی مختصر و کلی به نقش فرهنگی زنان در عصر تیموری دارد.

نشأت (۱۳۸۱/۲۰۰۳) در کتاب خود نقش سیاسی –فرهنگی و اقتصادی زنان را در اواخر سلسله ساسانی ،دوره سلجوقی ،مغولها ،تیموری ،صفوی در نهادهای مختلف با استفاده از اسناد و متون تاریخی بررسی و جریانات و حوادثی را که به تغییر و تحول در این خصوص گردیده را معرفی کرده است و درباره وضعیت سیاسی زنان دوره تیموری مطالب اندکی دارد و می تواند به عنوان منبعی جهت استفاده در تاریخ نگاری زنان مورد استفاده قرار گیرد.

زرین ایل(۱۳۸۹) در پایان نامه نگار گری ،مینیاتور و معرفی هنرمندان این هنر در عصر تیموری به بررسی نگارگری در ایران باستان وایران دوره اسلامی و سپس به معرفی هنرمندان نگارگری درعصر تیموری می پردازد . این اثر می تواند به محققین دوره تیموری اطلاعات مفیدی به دست دهد و در ارتباط با موضوع این پژوهش مباحثی به صورت کلی و مختصر بیان شده است.

بر اساس آنچه ذکر شد این پژوهش ها از جامعیت لازم برای مقاله نگارنده برخوردار نیستند و هر کدام تنها جنبه هایی از آن را در اختیار محقق قرار می دهند.تفاوت و نوآوری این پژوهش با دیگر تحقیقات انجام شده در آن است که در این پژوهش از صنعت نقاشی به عنوان یکی از منابع تاریخ نگاری که می توان به آن مراجعه نمود استفاده کرده که در تحقیقات دیگر مورد توجه قرار نگرفته است.

هنر نگارگری و تیموریان

هنرنگارگری دردوره باستان بین مردم ایران و ماوراءالنهر به ویژه درخراسان رواج داشت که پس از ورود اسلام به این نواحی این هنر به همراه هنرکتابت، تذهیب[۱] ، تشعیر[۲]و نقاشی گل و برگ مشجر و خطوط اسلیمی هندسی و نوشته کوفی مزین ، آمیخته با گل و برگ زیبا بر روی ابنیه رایج شد و در دوره ایلخانان هنر تصویر و تزیین کتابها ترقی کرد و در دربار ایلخانان به محلی مبدل شد که در آن همواره نقاشان چینی و ایغوری و ایرانی به هنرنمایی مشغول بودند(حبیبی،۱۳۵۵: ۳۰-۱۶).

دردوره تیموری نیز تمرکز تیمورگورکان درهنر و صنعت محدود به شهر سمرقند بود و مهندسان کاردان و معماران ماهر را از تمام مناطق تصرف شدهٔ خود در فارس و عراق و آذربایجان وغیره به پایتخت می

۱. راندود کردن و طلا کاری

۲. نوعی تزیین خطی

برد (یزدی ،۱۳۳۶، ج۲: ۵۷۱).ابن عربشاه منتقد تیمور در این باره می نویسد:« وی درسمرقند سرابستان های بی شمار و کاخ های بلند به ترتیبی شگفت ساخته و بهترین نهال ها درآن نشاند.. تیمور در کاخ های خود مجالس را تصویر نموده و صورت خود را خندان و زمانی خشمگین نقش کرده است.میدان کارزار، مجالس محاصره و مصاحبه با پادشاهان و امرا و سادات و علما...وقایع سند و دشت قبچاق و دیار عجم...صورت فرزندان و نوادگان و فرماندهان و سربازان، مجالس شادکامی...بدون کم وکاست مصور شده است»(ابن عربشاه ،۱۳۸۱: ۳۰۷ و۳۰۸).ودرجشنها و عروسی های شاهزادگان،تیمور سعی در جمع آوری نخبگان رشته های هنری در هر چه با شکوه تر برگزار شدن این جشنها می کرد(کلاویخو،۱۳۶۶: ۲۵۳).

از این رو،جانشینان تیمور نیز به هنرها به ویژه هنر نقاشی اهمیت می دادند. شاهرخ جانشین تیمور فریفته ادبیات واشعار فارسی،بنّا وسازنده ای بی دریغ وحامی شاعران وصاحبان هنر وصنعت گران نقاشی بود (گروسه ،۱۳۵۳: ۷۵۸) بایسنقرمیرزا فرزند شاهرخ از بزرگترین کتاب دوستان جهان محسوب می شود او علاقه مند به ساختن کتب منظوم ازجمله: شاهنامه،گلستان وکلیله و دمنه بود.این آثار از نظر کیفیت کاغذ ،مرکب و رنگ مایة ، یکدستی بین تصویر تذهیب و اجزای فنی بی نظیر وبی همتا هستند(تاکستن،۱۳۸۴ : ۵۰).

بنابراین،به دلیل حمایت حکمرانان تیموری از صنعت و هنرنگارگری یکی از نام آورترین نقاشان دورة تیموری ،بهزاد ظهورمی کند به گونه ای که وی را پیکرة اصلی نقاشی دورة تیموری و بزرگترین نقاش ایرانی-اسلامی معرفی کرده اند(مشکوتی ،۱۳۴۳: ۳۸۲). کار وی نزدیک شدن به طبیعت و زندگی مردم بود او اشخاص را چنان نقش می کرد که گویی زنده و جاندار است(حبیبی ،۱۳۵۵: ۵۲). جامی دربارة نقاشی این دوره چنین می سراید :

صد هزاران صورت اندر قالب حسن وجمال ریختند اما ز تو مطبوع تر کم ریختند

نقشبندان گـــاهِ تصویرِ لب و دنـــدان تـــــو در دهان غنچه تر ، عِقد شبنم ریختند

(جامی ، ۱۳۷۹: ۴۵۳)

صحنه هایی از جایگاه اجتماعی زنان دربار تیموری

درجوامع قبیله ای، زنان به لحاظ مشارکت در همه امور زندگی موقعیت مناسبی داشته و زن و مرد تا حدودی از حقوق یکسانی برخوردار بودند زنان علاوه بر اداره امور خانواده دراکثرکارهای خارج از چادر، مردان قبیله را همراهی می کردند به همین دلیل پس از شکل گیری حکومت ترک-مغول در ایران زنان توانستند با بهره گیری از قدرت قبیله ای خود در امور حکومتی دخالت نموده و در برابر مردان حکومت، جایگاهی برای خود کسب نمایند.(محمدی ،۱۳۹۸: ۸۵و۸۶)

از این رو،جایگاه والای زنان در میان مغولان،ابن بطوطه را به شگفتی وتعجب واداشته است می نویسد:چیزی که در این سرزمین مایة تعجب فراوان او شده، احترامی است که مردان نسبت به زنان خود داشتند:« مقام زن در میان مغول ها خیلی بلند و محترم است » (ابن بطوطه ،۱۳۷۷،ج۱: ۳۷۴-۳۷۱). بنابراین، نقش فعال زن ایلیاتی مغولی و اهمیت وی به عنوان پدیده فرهنگی،در میان سایر ملل تابع مغولان راه یافت.هر چند این سنت با توجه به فرهنگ و نظام اجتماعی هر منطقه تا حدودی دچاردگرگونی گردید و نوعی بومی سازی در آن صورت گرفت(بیانی، ۱۳۵۲: ۱۵۸).

از این لحاظ،با توجه به ماهیت ایلیاتی تیموریان و ارتباط نزدیکی که آنها با قبایل مغولی داشتند،موجب تأثیر پذیری از قوانین قبیله ای مغولی گردید.لذا بر طبق عادت و سنت های قبیله ای زنان از آزادی عمل واحترام ونفوذ برخوردار شدند، و زمینه برای دخالت یا تأثیرگذاری در امور مختلف دربار برای آنها فراهم گردید. دریافت اطلاعاتی دربارة زندگی زنان خاندان تیموری از برخی منابع تاریخی با تعدادی تصاویر به جا مانده ثبت و یا ذکر شده است که می تواند ما را در شناخت هر چه بیشتر پایگاه زنان درباری رهنمود باشد.پیرامون این مسئله می توان به ادعای ابن عربشاه درکتاب زندگی شگفت آور تیمور،مبنی بر وجود تصاویری دیواری از تیمور و خاتونان دربعضی از کاخهای سمرقند اشاره کرد که صحیح به نظر می رسد هر چند این تصاویر از بین رفته اند(ابن عربشاه ، ۱۳۷۳: ۳۰۸).

با این اوصاف، و با توجه به جایگاه والای زنان درمیان مغولان و تیموریان، نقاشان دورة تیموری به ثبت تصویری از زنی به نام «آلان قوا» می پردازند که معتقدند نژاد تیمور به این زن می رسد.به نوشتة یزدی «آلان قوا» به طور معجزه آسایی از راه نور سه پسرش را باردار شده بود که جایگاه والایی بین

مغولان و تیموریان دارد.این داستان را موازی با داستان حضرت مریم می دانند(یزدی ،۱۳۸۷ ،ج۱: ۲۲۴). تصویر آلان قوا در فهرست نسب شناسی درموزة توپقاپی سرای [1] ترکیه موجود است .که برگرفته از کتاب جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی می باشد.این نسب شناسی برای نوة تیمورخلیل سلطان پسر میرانشاه که پس ازمرگ پدربزرگش درسال۸۰۷ه.ق به قدرت رسید،تهیه شده است.(Hambly,۱۹۹۸ :۲۱۴.)تصویرشماره ۱

تصاویر پراکنده دیگری از زنان سلسله تیموری وجود دارد که یکی از آن تصاویر هم اکنون درگالری فریر[2] در واشنگتن دی سی موجود است، که تصویر الغ بیگ نوة تیمور به همراهی درباریان و همسرانش در یک دیدار رسمی نقاشی شده است .این تصویر مطابق با توصیفات نوشتاری در منابع از چنین حضوریابی هایی دردربار مطابقت دارد.درتصویر،الغ بیگ بر تخت پادشاهی منحصر به فرد و بر روی فرشی نشسته،همراهان ودرباریان در بالای سمت چپ وی تجمع کرده اند.چهار زن با لباس توری های سنتی زنان مغول،پوشیده از پَر و جواهر بر روی دو فرش در قسمت پایین سمت راست نشسته اند.اینان باید جزء چهارده همسر و صیغه (معشوقه)الغ بیگ باشند که در منابع از آنان نام برده شده است(تصویر شماره۲). البته شناخت دقیق آنها ممکن نیست و این تصویر از پادشاه و همسران او که به ترتیب نشسته اند یادآور توصیفات کلاویخو از دیدار تیمور با درباریان در سمرقند است که وی در آن شرکت کرده بود.

تصاویر تیموری با تصاویر مغولی را در کل مشابه می دانند زیرا در هر دو تصویر پادشاه و اطرافیان به ویژه همسر اصلی در سمت چپ شاه قرار دارند. در تصویر الغ بیگ مردان و زنان در سمت چپ پادشاه قرار گرفته و شاه به تنهایی نشسته است. هرچند که این تصویر ناتمام و بریده شده است، ولی، به نظر می رسد در نیمه راست آن نوشته ای بوده است.بی دبلیو رابینسون می گوید این تصویر نیمه گمشده ای دارد که در مجموعه کی یر[3] نگهداری می شود و هر دو برای متنی گمشده به تصویر کشیده شده اند. این تصویر، ورود سفرایی را به دربار الغ بیگ نشان می دهد که وسایل زیادی را به همراه

1 - Tokapi saray

2 - Freer

3 - Keir

دارند،ظاهراً هدایایی برای تیمور است.حضور زنان در این مواقع که در توصیفات نوشتاری درمنابع آمده،در تصاویر موجود می باشد و یک نسخه از ظفرنامة یزدی ذی الحجه ۸۳۹هـ.ق / ۱۴۳۶م.نشان دهندة وقایع مربوط به زندگی بی بی خانوم وخانزاده بیگم است که حضور بی بی خانم به عنوان مادرخواندة پسران و نوه های تیمور در تصویری در موزه هنری سیاتل در آمریکا وجود دارد که نشان دهندة سفر او به همراه شاهرخ پسر تیمور و خلیل سلطان پسر میرانشاه به سمرقند و به اردوی نظامی تیمور درشمال غربی ایران است .

با توجه به موقعیت و جایگاه بی بی خانم ،این نقاشی زمانی به تصویر کشیده شده است که گروه بی بی خانم، سوارانی از اردوی تیمور را ملاقات می کند که برای خوشآمد گویی به وی آمده اند،احتمال دارد تصویر به منظور نشان دادن سفر کشیده شده باشد.زنان سمت چپ باید بی بی خانم و همراهانش باشند،و مردان سمت راست احتمالاً شاهرخ ده ساله و فرد همراه او هستند.(تصویر شماره ۳)دو واقعه از زندگی خانزاده نیزدرهمین قسمت به تصویر کشیده شده است.الف)ازدواج او با جهانگیر پسر تیمور. ب) عزاداری برای پسرش محمد سلطان. هر چند تصویر وی در این دو نقاشی موجود نیست .

همچنین همبلی در کتاب زنان در نفوذ جهانی،سایه و مذهبیت اسلام قرون وسطی به ارایه گزارشی از وجود تصویری که مراسم سوگواری زنان تیموری برای محمد سلطان را در دو صفحه به نمایش گذاشته ، می نویسد: این تصویر افراد مختلفی از دربار تیمور را نشان می دهد که بر گرد تابوت شاهزاده جمع شده ا ند. تصویر سمت چپ، تیمور و سه زن درباری را نشان می دهد که با گریه وزاری موی خود را کنده اند و در تصویر سمت راست مردانی هستند که با گریه و زاری جامة خود را می درند.این تصویر مربوط به رسمی مغولی برای مراسم تدفین می باشد. [۱](Hambly,۱۹۹۸: ۲۱۵-۲۱۸)

به نظر می رسد در به تصویر کشیدن چهرة زنان،نقاشان یا تجربه ای از نگارگری ایشان نداشته اند و یا اهمیتی برای حضور زن قائل نشده اند با وجود این مسئله در برخی تصاویر چهرة زنان با نامشان مشخص می باشد. لذا،ممنوعیتی درنقاشی کردن از چهرة آنها وجود نداشته است.از این رو، ثبت وقایع زندگی زنان در تصاویر نسبت به توصیفات نوشتاری بسیار ضعیف می باشد و از سویی دیگر این نقاشیها گویای این مطلب هستند که پرداختن به زندگی روزمرة درباریان چه زن و چه مرد یکی دیگر از

۱. تصویری از این مراسم سوگواری در کتاب موجود نبود وبا وجود جستجو در سایت موزه توپقاپی تصویری ملاحظه نشد.

موضوعات مورد علاقه نقاشان دورة تیموری بوده که در اوایل حکومت تیموری به آن پرداخته شده است.لذا،با بررسی نگاره های عصر تیموری در مقایسه با منابع این دوره می توان به جایگاه والای زن در نقش آلان قوا و تاثیری که در شکل گیری حکومت تیموری به لحاظ سیاسی داشت ،پی برد همچنین با به تصویر کشیدن جایگاه خاتونان در مراسم رسمی دربار به نقش زنان به لحاظ سیاسی ونظامی و در امور اندرونی دربار می پردازد این مسئله نشان می دهد در کنار مردان حکومت جایگاهی برای بانوان درباری تعریف شده است که به دخالت و مشارکت زنان درباری در امور سیاسی اشاره می نماید .

پوشش زنان دربار تیموری در نگارگری

پوشاک و ظاهر هر قومی معرّف فرهنگ خاصّ آن می باشد. بررسی پوشش هر دوره می تواند یکی از پرارزش ترین منابع برای شناخت و درک توده‌های گوناگون قرارگیرد.ازاین نظر،در مبحث پوشاک،پوشش سر،زیورهای سر و بدن و پاپوش های زنان که در دوران حکومت تیموری متداول بود،را مورد بررسی قرار می دهیم .سلطه مغولان بر ایران موجب ورود بسیاری از سبک های پوشش مخصوص به خاور دور به ویژه سبک چینی گردید.این سبک نه تنها درلباس درباری،بلکه درلباس نظامی نیز تأثیر گذاشت (متین،۱۳۴۶ :۴۶).با وجود مسلمان شدن مغولان،زنان ترک و مغول برطبق قوانین اسلامی ملزم به رعایت این قوانین بودند،ولی به لحاظ پوشش مانندزنان مسلمان ایرانی رفتارنمی کردندومعمولاً با روی باز و بدون نقاب درملأعام ظاهر می شدند (ابن بطوطه، ۱۳۷۷: ۳۳۰). و زنان دربار تیموری نیز متأثر از دوره قبل از خود یعنی مغولان بودند. در بیشتر مینیاتورهای نسخه های خطی دورة تیموری نقاشی هایی از چهره های زنان ومردان با پوشش های گوناگون وجود دارد که نگارگران با الهام از شرایط وجودی،آنها را نقاشی کرده اند.به کمک این نقاشی‌ها می توان پوشاک و پوشش سر زنان ومردان را همزمان با تاریخ نقاشی مشخص کرد و ویژگی‌های آنها را بیان نمود (اکبری ،۱۳۹۱: ۱۶) .

از این رو، براساس نقاشیهای مینیاتوری، پوشاک زنانه دوران تیموریان را در چهار نوع تشریح نموده اند. اول: ردای مغولی که نشان دهنده اثرات مستقیم خاور دور در فرهنگ عامه دوران تیموریان است.

این ردا آستین کوتاه و بلندی آن تا سر زانو می رسد و حلقه دورگردن آن به شکل عدد هفت می باشد.دوم: بالاپوش یا ردایی که قدآن تا سر زانو است و آستینهای بلندی دارد.حلقه دورگردن آن به شکل عددهفت ویقة کوچکی می باشد.این ردا جلو باز است و از بالا تا پایین با دگمه باز و بسته می شود. سوم :دامن راسته ای که بلندی آن تا مچ پا است و چهارم: بالا پوش یا نیم تنة بلندی که قد آن تا بالای زانو بوده و آن را روی ردای بلند می پوشیدند.نکتة مهم این است که هیچ تغییری نه در روش پوشیدن این بالاپوش و نه در طرح آن در طول چهل سال روی نداده بود(شیرازی مهاجن ،۱۳۶۹ :۱۹۲-۱۹۱).لازم به ذکراست شیرازی مهاجن در مقاله پوشاک زنان دوره تیموری،به نقاشیهای مینیاتوری موجود دردیوانهای خواجوی کرمانی،معراج نامه ،شاهنامه و خمسة نظامی اشاره کرده است، که اطلاعات تاریخی مهمی دربارة فرهنگ مردمی به ویژه از پوشاک زنانه دردوران تیموریان به دست می دهد (شیرازی مهاجن ،۱۳۶۹: ۱۹۱) ظاهراً این نقاشیها مربوط به زنان غیر درباری می باشد. به طورکلی، لباس زنان دوره تیموری را شامل چندین لایه ردا دانسته اند که این رداها برعکس دوران مغول گشاد نبود بلکه تنگ و بلند بود.پیراهن آستین بلند زنان کل بدن را تا پاها می پوشانید.تن پوشهای رویی آستین کوتاه و گاه این تن پوشها بدون آستین بودند(متین، ۱۳۴۶: ۴۵).

یکی دیگر از ویژگی های پوشاک این دوره را در طرح های متنوع و گوناگون آن می دانند که در یکی از آثار هنرمندانه استاد کمال الدین بهزاد، تصویر چهار زن در یک بوستان ترسیم شده را نشان می دهد که هر یک از آنها سبک خاصی از پوشاک را به تن کرده اند. با دقت بر روی قباها، آنها را به شکل بلند تا نوک پا، بلند تا نزدیکی زانوها و کوتاه تا زیر باسن می بینیم . برخی از آنها جلو باز، برخی جلو بسته و برخی یکسره اند. برخی دیگر آستین بلند و آستین کوتاه و یقه های متنوع دارند و الگوی پیراهن زیرین را تا حدی می توان مشاهده کرد (شیرازی مهاجن، ۱۳۶۹: ۱۹۱).تصویر شماره ۷

از این لحاظ،کلاویخو پوشش بی بی خانم همسر تیمور گورکان را چنین توصیف می نماید:سبک لباس خانم بزرگ زن تیمور این گونه بود: که جامه روی او با ابریشم سرخ زردوزی شده ،بسیار گشاد ،با دامنی بلند که بر روی زمین کشیده می شد. این لباس بی آستین بود و تنها روزنه ای داشت که سرش را از آن بیرون کرده بود و نیز دو سوراخ که از آنها بازوانش بیرون می آمد، یقه پیراهن تا بالا بسته

بود دامن پیراهن پهن و عریض بود و دنباله آن را ملازمانش می کشیدند تا خانم بزرگ بتواند راه برود، وی بر چهره نقابی نازک وسفید داشت (کلاویخو ، ۱۳۴۳: ۲۵۸) .

بنابراین،به دلیل بلندی لباس زنان تیموری پوشش پای زنان زیاد مشخص نبود. حجازی درباره نوع کفش آنها می نویسد:کفش ها ساق بلند بود، و طول آن تا بالا می آمد که به آن «خُف»[۱]می گفتند (حجازی، ۱۳۷۶: ۲۱۷). هیچ نمونه کفشی، نه درنسخه معراج نامه و نه در نسخه دیوان خواجوی کرمانی دیده نمی شود. درنسخه های خمسه نظامی وشاهنامه تنها یک نمونه دمپایی که نوک آن بسته است را می توان دید.به احتمال زیاد نمونه های دیگری از کفش مورد استفاده زنان در دوران تیموریان وجود داشته است که به علت بلندی بیش ازحد پوشاک زنان دیده نمی شود(شیرازی مهاجن،۱۳۶۹: ۱۹۶).همین مطالب را دادور در مقاله خود تایید کرده، می نویسد: متاسفانه دردوره تیموری همانند دوره ایلخانی برای بررسی پای افزار زنان با کمبود تصویر مواجه هستیم که دربعضی موارد تنها پنجه پا پیداست اما درموارد دیگرکه قد پیراهن تا ساق پای زنان است.پای پوش ها قابل رؤیت هستند ودر ادامه آورده است، بانوان تیموری در ایران بیشتر از کفش های بدون ساق استفاده می کردند و به نظر می رسد از نظربرش،دورتا دور دهانه کفش،دردو نوع کفش ساده کنگره دار دوخته می شده است تصویر شماره ۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. واژه «خُف» را به معنای هر آنچه پوشند،موزه ،ویا آنقدر که کف پای مردم به زمین رسد ،تعریف کرده اند (دهخدا، ۱۳۷۰)

جدول شماره ۲. تن‌پوش بانوان در دوره تیموری(مأخذ نگارنده)

ویژگی کلی پوشش	عصر شاهرخ					
تن‌پوش‌ها ساده، رنگ‌بندی تند و تیره، پارچه‌ها بدون نقش و نگار، تزئینات محدود	ردای بلند، آستین‌بلند، جلوباز با حاشیه تزئینی		قبای کوتاه با یقه‌هفت و برگرد جلوبسته، پیراهن بلند		قبای کوتاه جلوباز، بدون یقه آستین‌کوتاه، پیراهن بلند	
عصر بایسنقر میرز						
تن‌پوش‌های چندین لایه کاربرد نقوش به‌صورت زیاد در پارچه‌ها	ردای بدون یقه، جلوباز، آستین‌بلند، منقش		قبای بلند جلوباز و آستین‌کوتاه به ابرش هشت لبه		پیراهن آستین‌بلند، یقه‌هفت باز، حاشیه‌دوزی یقه	
کاربرد تزئینات الحاقی در تن‌پوش‌ها	ردای جلوباز، آستین‌بلند، حاشیه یقه و مچ دست و پایین لباس زری‌دوزی		قبا بلند، یقه برگرد خز، آستین با سه برش جداگانه		ردا با آستین‌بلند و حاشیه یقه با تزئین بندینک	
عصر سلطان حسین بایقرا						
تعدد لایه‌ها کمتر، تزئینات و الحاقات حد میانه	قبا با یقه برگرد خز، آستین‌بلند و حاشیه پوست دوزی		پیراهن بلند و گشاد با آستین‌های بلند		قبای گشاد با یقه‌گرد و آستین‌بلند	

برگرفته از مقاله (رضا نژاد یزدی ،۱۳۹۶: ۲۸و ۲۹)

به طور کلی، با بررسی نگاره ها دردوره ایلخانی وتیموری به این نتیجه رسیده اند که اکثر بانوان، پاپوش‌های سیاه به همراه جوراب های رنگین می پوشیدند. درخصوص نیم چکمه‌ها گویا رنگ قهوه-ای روشن، بیش از سایر رنگ‌ها رواج داشته است. زیرا دراکثر تصاویر موجود نیم چکمه‌ها به این رنگ می باشند و اما چکمه‌های ساق بلند در رنگ های متنوع نظیر قرمز، سفید، زرد، بنفش نمایان شده است (دادور، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۱).

به نوشته مهاجن در تصاویری از دیوان خواجوی کرمانی،چهار نمونه مختلف زیور و پوشش سر دیده می شود که شامل :۱-روسری بلندی که طول آن به اندازه فاصله سر تا زمین است و از پشت سر این روسری بلند به حالت آزاد در روی سر قرار گرفته است و نمونه های دیگری از همین روسری با رج های مروارید دیده می شود. دوم : عرقچین یا کلاهک بلندی که روی روسری پوشیده شده است. سوم: مقنعه که از لحاظ برش و هم از لحاظ طرز پوشیدن آن شباهت بسیاری با مقنعه هایی دارد که پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷هـ .ش / ۱۹۷۹م. در ایران متداول شده است، و در مرکز سر قرار گرفته به طوری که شانه ها و سینه را می پوشاند. چهارم : تاج سلجوقی .

مهاجن در بررسی سبک دوخت پوشش سر زنان در سه دیوان دیگرچنین می نویسد:در معراج نامه به کلاهک پَردار که شامل دو پَر بسیار بزرگ و پَرهای کوچکتر دردو پهلوی کلاهک و یک تاج مغولی اشاره می نماید .در شاهنامه یک نوع پوشش سر که عبارت از روسری کوتاهی در قسمت جلو سینه ، با یک تاج سر و رشته های مروارید تزئین شده است را توصیف می نماید. درخمسه نظامی چهار نمونه پوشش و زیور سر تشریح می گردد. نخست روسری کوتاهی که یا به تنهایی و یا با تاج به کار رفته دوم: چادر بلندی که قد آن تا مچ پا است که این چادر را هم از لحاظ برش و هم از لحاظ طرز پوشیدن شباهت به چادرهای امروزی در ایران می دانند سوم:تاج سلجوقی وچهارم مقنعه(شیرازی مهاجن، ۱۹۶:۱۳۶۹-۱۹۴). تصویرشماره ۵

ظاهراً در چهار دیوان مذکور پوشش سر زنانه مربوط به زنان درباری و اشرافی زنان است. زیرا زنان درباری پوشش سر را همراه با تاج و زیورآلات خود داشتند، و جنس روسری و مقنعه آنها با پوشش سر زنان غیر درباری تفاوت داشته و از رنگ‌های متنوعی استفاده می کردند. به نظر می‌رسد این شیوه پوشش سر به شکلی ساده تر در میان زنان درباری تیموری و غیر درباری مرسوم بوده است.

در دوره تیموری استفاده از روسری و مقنعه رواج داشته و روی روسری ها به گونه ای بوده که در دو طرف برشی هلالی شکل دوخت می شده بعضی اوقات روی این روسری، پیشانی بند پارچه‌ای هم بسته می شد. برسر زنان این دوره هم مقنعه دیده می‌شود (شهشهانی،۱۳۷۴: ۸۶). تصویر شماره ۳

زنان درباری و اعیان واشراف برای هر یک از اعضای بدن خود ،زینت خاصی به کار می بردند.بر روی سر خود تاج و یا نیم تاج، موبند، سنجاق وپیشانی بند و با آویزه های که در دو طرف لچک می

آویختند خود را مزین می ساختند.همچنین ازگوشواره، گردنبند، دستبند، النگو، انگشتری، کمربندهای تزئینی نیز استفاده می کردند (حجازی، ۳۷۶ :۲۱۷).مهاجن با استناد به تصاویر مینیاتوری به زیورهایی چون :کمربندهای طلایی،آویزه های مروارید و رج های مرواریدی که در تزیین موی سر به کار می رفته است،اشاره می نماید.و در تمام نسخه های خطی این قبیل زینت ها را زیورهای مرسوم در دوران تیموریان می داند (شیرازی مهاجن، ۱۳۶۹: ۱۹۶).

با مطالعه و بررسی درمورد لباس وپوشاک زنان دوران تیموریان و زیورآلات متداول آنها می توان گفت تغییرات و تحولات فرهنگی دردوران تیموریان متأثر از فرهنگ ایرانی-اسلامی بوده است، همچنین به روشنی می توان تأثیرات فرهنگ خاور دور را در بسیاری از پوشاک های زنانه تیموریان مشاهده کرد.از جمله رداهای مغولی وتاج های مغولی که زینت دهنده سر زنان هستند، به فراوانی دیده می شوند.(تصویر شماره ۶).

گروه	اشخاص	تن‌پوش	طبقه اجتماعی
۱	شاهدختان و همسران شاه	ردا، قبا، پیراهن، پیراهن زیرین، تزئینات تن‌پوش	طبقه مرفه
۲	زنان حرم	قبا، پیراهن، پیراهن زیرین، تزئینات تن‌پوش	طبقه مرفه

طبقات اجتماعی بانوان درباری بر اساس نوع تن پوش در نگاره ها

برگرفته از مقاله (رضا نژاد یزدی، ۱۳۹۶: ۲۵)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

موسیقی و زنان دربار تیموری در نگاره ها

منابع تاریخی از ثبت نام زن هایی که مطرب،رقاصه و مغنیه عصرتیموری بودند،خودداری کرده اند. (افضح زاده، ۱۳۷۸: ۹۶) با این حال در تصاویر و نگاره های به جای مانده از دوره تیموریان چهره زنان مطرب تصویر شده است. البته زمینه‌های اجرای موسیقی علاوه بر برای مردان در دربار بیشتر در اندرونی‌ها و برای مخاطبان زن بود، و در برخی صحنه‌های تصاویر،زنان گاهی اوقات درحضور سلاطین و شاهزادگان مرد نیز موسیقی اجرا می کردند،که علاوه بر آوازخوانی به نواختن سازهایی مانند چنگ و دف می پرداختند (اسدی،۱۳۸۳: ۸۹) تصویر شماره ۹. تنها زن درباری که درعرصه موسیقی

فعالیت داشت، و به نام او اشاره شده است، شادملک همسر خلیل سلطان پسرامیر تیمور بود که وی را از زنان مطرب معرفی کرده اند به طوری که برای هنر و استعدادش در موسیقی در سراسر هرات همتایی وجود نداشت و شهرتش تا دور دست ها پیچیده بود(فرخ زاد، ۱۳۷۸،ج۲: ۱۱۰۹) .

نتیجه گیری

به قدرت رسیدن تیموریان به عنوان قوم غالب در ایران و تحت تاثیر فرهنگ ایرانی-اسلامی موقعیت بانوان ایرانی را دچار تغییر و دگرگونی کرد که با توجه به رویکرد فکری حاکمیت سیاسی تیموریان،نسبت به زن و احترام به وی امکان حضور در عرصه های سیاسی و اجتماعی را برای زنان درباری فراهم آورد.از سوی دیگر تغییراتی که در مسایل اجتماعی و فرهنگی رخ داد هنر عصر تیموری را نیز تحت تاثیر خود قرار داد،و در مسیر تکاملي خود سرانجام استقلالي را فراهم ساخت که منعکس کنندهٔ روح هنری ایرانی بود.از این رو،این عصر را دوره طلایي هنر نقاشي ایران دانسته اند.

با این اوصاف ،نگارگری یکی از منابع مهم در تاریخ نگاری عصر تیموری محسوب می شود که علاوه بر به تصویر درآوردن بانوان درباری ،سعی در بیان جایگاه اجتماعی آنها به نحوی شایسته و در خورشان دارد و با ثبت صحنه هایی از زندگی زنان خاندان تیموری در تصاویری بر روی دیوار کاخهای سمرقند و درکتب مصور ،موجب شناسایی بهتر زنان تاثیرگذار در سیاست و حکمرانی تیموریان و نقش ایشان در دربار،و معرفی جایگاه اجتماعی زنان درباری گردید، و با ارایه تصویری از پوشش و برخی رسومات درباری، صحنه هایی را از وقایع اجتماعی زندگی زنان خاندان تیموری که تاثیرگذار بر نهاد اجتماعی جامعه بود را به نمایش گذاشتند.همچنین مشاغل موجود، پوشش مردم و درباریان و نحوهٔ حضور مردان و زنان درجامعه رابه تصویرکشیدند،هرچند حضور موثر زنان درباری در این تصاویر بروز چندانی ندارند.

کتابنامه

آرام،محمد (بی تا).«تحول نقاشی و مینیاتوری سازی در دوره اسلامی»، مجله باستان شناسی، ش۳و۴، صص ۱۵-۲۵.

ابن بطوطه، محمدبن عبدالله (۱۳۷۷). سفرنامه ابن بطوطه ،ترجمه محمد علی موحد ،تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن عربشاه (۱۳۸۱).زندگي شگفت آور تيمور،ترجمه محمد علي نجاتي . تهران : علمي و فرهنگي.

اسدی، هومان(۱۳۸۳). «مطالعه‌ای سازشناختی در رسالات و نگاره‌های موسیقایی تیموری»، فصلنامهٔ موسیقی ماهور، تهران، س ۶، شماره ۲۴ .

افضح‌زاد، اعلاخان (۱۳۷۸). نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی، تهران.

اکبری،تیمور،کاشانی پور (۱۳۸۸).تاریخ هنر نقاشی و مینیاتور در ایران ،تهران :سبحان نور.

بیانی،شیرین (۱۳۵۲). زن در ایران عصر مغول ،تهران : دانشگاه تهران .

پرایس،کریستین (۱۳۵۳).تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا ،تهران :امیرکبیر.

تاکستین و دیگران (۱۳۸۴). تیموریان ،ترجمه یعقوب آژند ، تهران : مولی .

جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد (۱۳۴۱). دیوان کامل جامی ، تصحیح هاشم رضی ،تهران: پیروز.

حبیبی، عبدالحی (۱۳۵۵)،هنرعهد تیموریان ،تهران:بنیاد فرهنگ ایران.

حجازی، بنفشه (۱۳۷۶)، به زیرمقنعه « بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی»، تهران: نشر علم .

دادور،ابوالقاسم پور، کاظمی،لیلا (۱۳۸۸).«پای پوش ایرانیان در نگاره های دوران ایلخانی ،تیموری و صفوی».فصلنامه علمی -پژوهشی مطالعات هنر اسلامی ،بهار و تابستان ،شماره۱۰،ص ۴۲-۲۳.

دهخدا،علی اکبر (۱۳۷۰). لغت نامه،تهران : بی جا.

دیماند.م.س(۱۳۳۶). راهنمای صنایع اسلامی،ترجمه عبدالله فریار،تهران:بنگاه ترجمه ونشر کتاب.

رضا نژاد یزدی،الهه ؛شریعت پناهی سید ماهیار (۱۳۹۶).«بررسی جایگاه اجتماعی بانوان با تاکید بر پوشش بانوان در نگاره های عصر تیموری».نشریه پژوهش نامه زنان،بهار،س ۸، ش۱، صص۱-۳۳.

رهنورد،زهرا (۱۳۸۶). تاریخ هنردردوره اسلامی؛ نگارگری، تهران: سمت.

سودآور،ابوالعلاء (۱۳۹۰). هنرهای دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمدشیروانی،تهران: کارنگ.

شهشهانی،سهیلا (بی تا). تاریخچه پوشش سر در ایران ،تهران: مدیر .

شیرازی مهاجن، فائقه (۱۳۶۹/۱۹۹۱).«پوشاک زنان در دوران تیموریان»، بخش مطالعات خاور میانه، دانشگاه تگزاس آستین، صص۱۹۸-۱۹۱.

فرخ زاد،پوران (۱۳۷۸).دانشنامه زنان فرهنگ ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ)، تهران: زریاب.

کلاویخو، روی گنزالو(۱۳۲۷).سفرنامه،ترجمه مسعود رجب نیا ،تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب .

گروسه، رنه (۱۳۵۳). امپراطوری صحرانوردان،ترجمه عبدالحسین میکده،تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

متین، پیمان (۱۳۴۶). پوشاک ایرانیان ، تهران:پژوهش‌های فرهنگی.

محمدی، لیلا(۱۳۹۸). زنان خاندان عصر تیموری،قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مشکوتی، نصرت الله (۱۳۴۳). از سلاجقه تا صفویه،تهران:ابن سینا.

نصیری جامی،حسن (۱۳۸۵).«سرآمد پیوند شعر و هنر در عصر تیموری».مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، پاییز و زمستان، ش ۱۱و ۱۲، صص ۱۰۵-۹۲.

یزدی، شرف الدین علی(۱۳۸۷)،ظفرنامه،تصحیح سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوائی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

Hambly Gavin R. G (1998). Women in the medieval Islamic world power patronage andpiety,London.

Nashat Guity and Lois beck (2003). Women in the rise of Islam to 1800, university of Illinois.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصاویر

تصویر شماره ۱:آلانقوا بر گرفته از سایت Alanquva and Her Three Sons, Folio from a ... Chingiznama

تصویرشماره ۲: چادر نشینی قبایل برگرفته از کتاب،

women in Iran from the rise of Islam to 1800-Guity Nashat and lois Beck :229

تصویر شماره ۳ : الغ بیگ و زنان درباری برگرفته از کتاب،

women in the medieval Islamic world: Gavin R.G.Hambly:215

تصویر شماره ۴: بازدید بی بی خانم از اردوگاه برگرفته از کتاب،

women in the medieval Islamic world: Gavin R.G.Hambly:219

تصویر شماره ۵: که نگاره معراج نامه که ورود پیامبر به همراه جبرییل به بهشت و دیدار با چهار بانوی مقدسه را نشان میدهد برگرفته از کتاب تاریخ هنر در دوره اسلامی :نگارگری نوشته رهنورد ص۶۴

تصویر شماره ۶:

پوشش زن تیموری برگرفته از دانشنامة ایرانیکا www.iranicaonline.org/articles/clothing-

تصویر شماره ۷:پوشش زن تیموری برگرفته ازدانشنامه ایرانیکا

www.iranicaonline.org/articles/clothing-ix

تصویر شماره:۸

۱ تصویر روی جلد ازکتاب women in Iran,from the rise of Islam to 1800 است که سبک پوشش زنان را در تاریخ میانه ایران نشان می دهد.

تصویر شماره ۹: نگاره حرم سرای سلطان حسین بایقرا،دیوان امیر خسرو دهلوی برگرفته از کتاب هنرهای دربارهای ایران نوشته سود آور ص۹۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی